



کد خبر: 104628 تاریخ: 1394/9/24 00:00

اول دفتر

برجام و بیداری ملی در ایرانیان

سید حسین موسویان

معاون پیشین سیاست خارجی دبیرخانه شورای امنیت ملی ایران

در دوران مسئولیت دکتر لاریجانی در پرونده هسته‌ای، سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) ادعاهایی مبنی بر وجود اسنادی دال بر اینکه ایران برنامه ساخت سلاح هسته‌ای داشته را نزد البرادعی، مدیرکل وقت آژانس پیگیری کرد. البرادعی اسناد مورد ادعا را مطالبه کرد اما سازمان سیا مدعی بدون ارائه هرگونه سندی، صرفاً موارد را شفاهی به اطلاع آژانس رساند. این سناریو درست در مقطعی مطرح شد که پیشرفت‌های اساسی برای حل ابهامات آژانس به دست آمده بود و پرونده هسته‌ای ایران در مسیر بسته شدن قرار گرفته بود. آژانس و ایران توانسته بودند با یک همکاری فوق‌العاده موضوعات کلیدی همچون: ابهامات مربوط به غنی‌سازی سطح پایین و بالا، آزمایش پلوتونیوم، موضوعات مربوط به معدن گچین و مسائل مربوط به سانتریفیوژهای پ2 را حل کنند. با وجودی که البرادعی سندی برای ارائه نداشت و خود هم اعتقادی به صحت ادعاهای سازمان سیا نداشت، از ایران خواست که پاسخ‌های لازم را بدهد تا این بهانه هم از امریکایی‌ها گرفته شود. ایران هم پاسخ‌های لازم را داد و البرادعی هم شخصاً قانع شد. البرادعی در حال تهیه گزارش بود که شورای امنیت سازمان ملل بدون توجه به پاسخ‌های ایران و نظر البرادعی، قطعنامه جدیدی را علیه ایران تصویب کرد. آقای لاریجانی از سمت مدیریت پرونده هسته‌ای کنار گذاشته شد و با فشار امریکایی‌ها، البرادعی هم از آژانس رفت. یک سال بعد البرادعی در کتاب «عصر فریب» خود نوشت که با صدور قطعنامه شورای امنیت بدون توجه به رسیدگی‌ها و گزارش آژانس، معلوم شد که داستان «ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای ایران» موسوم به پی‌ام‌دی یک سناریوی سیاسی از قبل طراحی شده توسط امریکایی‌ها است که معاون او اولی هاینون هم پشت پرده با آنها همکاری می‌کرده است. بدین ترتیب در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد موضوع پی‌ام‌دی محور اساسی فشار و تحریم‌های بیشتر گردید به گونه‌ای که جنجال‌های بین‌المللی نیز تا چند روز قبل با همین محوریت ادامه یافت. تیم مذاکره کننده هسته‌ای دولت آقای روحانی با حمایت مقام معظم رهبری توانست توافق هسته‌ای موسوم به برجام را با قدرتهای بزرگ در تابستان امسال نهایی و امضا کند. طبق برجام در

صورت حل موضوع پی‌ام‌دی و چند اقدام ایران، کلید برداشتن تحریم‌ها زده خواهد شد که مهم‌ترین آن، تحریم نفت و بانک مرکزی و سوئیفت خواهد بود. پس از چندماه کار فوق سنگین سازمان انرژی اتمی و مذاکرات کنندگان وزارت خارجه، بالاخره پیش‌نویس قطعنامه شورای حکام با مشورت و توافق ایران و قدرت‌های جهانی نهایی شده و توسط شورای حکام آژانس به تصویب رسید.

براساس مفاد این قطعنامه، شورای حکام آژانس:

- 1: موضوع پی‌ام‌دی را می‌بندد.
 - 2: اعلام می‌کند که ایران همه اقدامات تعیین شده در نقشه راه را کامل انجام داده است.
 - 3: دستور کار شورای حکام آژانس را تغییر می‌دهد. دستور کار گذشته یعنی اجرای موافقتنامه پادمان ان‌پی‌تی و مفاد 6 قطعنامه شورای امنیت علیه ایران را از دستور خارج و اجرای برجام را به عنوان دستور کار جدید تعیین می‌کند.
 - 4: 12 قطعنامه سنگین پیشین شورای حکام را از جمله دو قطعنامه مخصوص پی‌ام‌دی لغو می‌کند.
 - 5: با تأیید گزارش مدیرکل، عملاً می‌پذیرد که هیچ نشانه‌ای مبنی بر انحراف مواد هسته‌ای در ایران پیدا نشده است. بدین ترتیب بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران در گذشته و حال صحنه می‌گذارد.
- ناگفته نماند که گزارش مدیرکل ضمن اینکه برای حفظ آبروی امریکایی‌ها و توجیه ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل و تحمیل قطعنامه‌های ظالمانه و غیرقانونی، تأیید می‌کند که ایران تا سال 2009 (1388) در حد مطالعات و امکان‌سنجی فعالیت‌هایی داشته، برای جهانیان روشن می‌کند که هیچ علامت و نشانه‌ای مبنی بر اقدام برای ساخت سلاح هسته‌ای براساس اسناد ادعایی (سازمان سیا امریکا) پیدا نشده است. ذکر نکات مثبت به این معنی نیست که قطعنامه مذکور کاملاً سفید است. برجام، قطعنامه 2231 شورای امنیت، گزارش اخیر مدیرکل و قطعنامه جدید همه دارای نکات منفی و مثبت هم برای ایران و هم برای قدرت‌های جهانی می‌باشد چون اساس آن یک توافق سیاسی مرضی‌الطرفینی است که دو طرف باید برد کرده باشند.

اما با تصویب قطعنامه، پرونده اتهام برنامه ساخت سلاح هسته‌ای بسته شد و ایران از یکی از گردنه‌های سخت برجام و تاریخ بحران هسته‌ای خود عبور کرد.

در عین حال این به معنی بسته شده کل پرونده هسته‌ای ایران نیست. طبق برجام، دو طرف تا 10 سال آینده تعهدات متقابلی دارند که با انجام آن، کل پرونده هسته‌ای در شورای امنیت سازمان ملل و شورای حکام آژانس بسته خواهد شد. قطعنامه مذکور در صورت تصویب بار امنیتی- سیاسی پرونده هسته‌ای ایران را فوق‌العاده کاهش می‌دهد و بیشتر جنبه حقوقی آن مورد توجه جامعه جهانی خواهد بود. در نهایت برای اجرای برجام و برداشته شدن تحریم‌های اصلی، دو موضوع باقی مانده است؛ اول، بسته شدن پرونده پی‌ام‌دی و دوم، اجرای برخی اقدامات پیش‌بینی شده در برجام توسط ایران، مثل کاهش تعداد سانتریفیوژها و ذخیره اورانیوم غنی شده. پیش‌بینی می‌شود که قسمت دوم هم ظرف چند هفته آینده نهایی و با رفع تحریم‌ها، فصل نوینی در معادلات اقتصادی و سیاسی ایران آغاز شود.

با این وجود هر مرحله پیشرفت در روند حل مسالمت‌آمیز بحران هسته‌ای، با مخالفت‌هایی در واشنگتن، تهران و تل‌آویو مواجه بوده و این مخالفت‌ها ادامه خواهد یافت. مخالفین در واشنگتن و تل‌آویو حل بحران هسته‌ای و رفع تحریم‌های کنشده و همه‌جانبه را ضامن بقا، رشد، توسعه و افزایش قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی می‌دانند. مخالفین در جمهوری اسلامی هم با بررسی‌های موشکافانه برجام، گزارش مدیرکل و قطعنامه شورای حکام، امتیازات داده شده را بزرگ و امتیازات گرفته شده را نادیده می‌گیرند. جمعی می‌گویند چرا مخالفان داخلی برجام، در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد نه تنها قطعنامه‌های آژانس و شورای امنیت که جملگی مصیبت تاریخی علیه منافع ملی ایران بود را نه تنها چنین موشکافی نمی‌کردند، بلکه یا ساکت بودند یا آنها را کاغذ پاره‌ای معرفی نموده یا حتی به عنوان پیروزی ایران قلمداد می‌کردند. من ضمن اینکه این انتقاد را وارد می‌دانم، لکن بررسی‌های کارشناسی فعلی مخالفان، هر چند کاملاً نامتعادل را به نفع جمهوری اسلامی می‌دانم. فاجعه زمانی

بود که قطعنامه‌های پی در پی فاجعه‌بارترین تحریم‌های تاریخ علیه ایران صادر می‌شد و در داخل هیچ صدای اعتراضی بلند نشد، اگر کسی هم انتقاد یا اعتراضی می‌کرد، فوراً متهم می‌شد تا جایی که در کشور شنیده شد که باید به خاطر تحریم‌ها شکر کنیم و دعا کنیم این تحریم‌ها بیشتر شود.

برجام فصل جدیدی را در بیداری ملی ایرانی‌ها نسبت به قطعنامه‌های بین‌المللی گشوده است. امروز در ایران شاهد تحولی هستیم که از نظر من کاملاً در راستای منافع ملی ایران است زیرا که حالا دیگر کلمه به کلمه قطعنامه‌های بین‌المللی توسط مخالفان و موافقان بررسی و در سطح رسانه‌ها این چنین گسترده بحث می‌شود. امروز مخالف و موافق اجماع دارند که تحریم‌ها مضر بوده و باید برداشته شود. امروز مخالف و موافق، مصوبات سازمان‌های بین‌المللی را مهم و برای منافع ملی ایران تعیین کننده تلقی می‌کنند، نکات منفی و مثبت را موشکافی و مسئولان و افکار عمومی ایران را آگاه و به دنیا هم نشان می‌دهند که ایران یک جامعه هشیار و زنده دارد. دولت آقای روحانی این تحول را به فال نیک بگیرد و مخالفان و موافقان را در موشکافی گزارش‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی، هر چند با نیت‌های سیاسی متفاوت، تشویق کند. این واقعه میمونی است که در آینده مصونیت بالایی در پیشگیری از تصویب قطعنامه‌های بین‌المللی مخل منافع ملی ایران ایجاد خواهد کرد.